

مدرسه دارالفنون

(۷)

با اینکه دارالفنون علاوه بر تابستان، ماه مبارک رمضان تعطیل می‌شد، شاگردان بر ناهماهنگی خود را با موفقیت تمام به پایان می‌رساندند و خویش را برای گذراندن امتحانات پایان سال تحصیلی آماده می‌کردند.

از زمانی که وزارت علوم تأسیس یافت و به اعتضاد السلطنه سپرده شد، دارالفنون به کوشش آن مرد دانشمند و پرکار رونق و اعتبار بیشتر یافت.

او هر روز در دارالفنون حاضر می‌شد، با معلمان ایرانی و خارجی انجمن و از آنان خواهش می‌کرد چندانکه می‌توانند در پیشرفت تحصیل شاگردان کوشش کنند. او در تمام مدتی که وزارت علوم و ریاست دارالفنون را داشت از یاد این مدرسه غافل نمی‌ماند. و بهترین اوقات عمر خویش را زمانی می‌شمرد که به بهبود وضع مدرسه می‌اندیشید و عمل می‌کرد. از بیم آنکه مبدا معاشرتش با دیگر وزیران و درباریان، یا سفر کردنش در داخل و خارج وی را از انجام وظایفش که مهم‌ترین آنها اداره دارالفنون بود بازدارد دید و بازدید و سفر کردن چندانکه می‌توانست پرهیز می‌کرد و اگر اتفاقاً شاه‌آورد به همسفری خویش برمی‌گزید و به دور شدن از پایتخت ناچار می‌شد همکارانش را به مواظبت در حسن جریان امور مدرسه سفارش و تأکید بسیار می‌کرد.

۱- شاگردان مدرسه دارالفنون یک ماه رمضان را به قاعده متداوله سنوات قبل تعطیل نموده اند ولیکن مشغول ترجمه و تذکره درسه‌های گذشته می‌شوند که درسه‌های گذشته از یاد ایشان محو نشود «روزنامه دولت علیه ایران شماره ۵۱۷».

این اوقات که ایام صیام و اوقات عبادت است شاگردان مدرسه مرخص و هر یک بتقدیم شرایط صیام و عبادت مشغولند. «شماره ۶۴۷ روزنامه دولت علیه ایران مورخ ۱۴ رمضان ۱۲۸۷».

۲- چون امر مقرر گردید که اعتضاد السلطنه وزیر علوم در این سفر خیریت‌آثر (سفر شاه به گیلان که در روز یکشنبه بیستم شوال ۱۲۸۶ آغاز شد) ملتزم رکاب سعادت انتساب باشد معزی‌الیه امورات متعلقه خود را به مخیرالدوله علیقلی خان سررتیب اول و رئیس کل تلکراف ممالک محروسه ایران و جعفرقلی خان رئیس مدرسه مبارکه دارالفنون و میرزا اسدالله

اعتضاد السلطنه برای استفاده شاگردان و معلمان در سال ۱۲۸۰ قمری کتابخانه نسبه^۱ مجهز و معتبری از کتابهای فارسی خارجی تشکیل داد و سال بسال بر شماره کتب آن می افزود. چنانکه یاد شد معلمان خارجی در مدت اقامت خود در ایران به تألیف حداقل یک جلد کتاب در رشته‌ای که تدریس می کردند ناچار بودند، این کتابها به وسیله معلمان ایرانی یا شاگردان ممتاز که عنوان خلیفه داشتند ترجمه و با اصل آن در کتابخانه مدرسه نگهداری میشد و این کتابها که بعض آنها بچاپ می رسید بر اعتبار کتابخانه می افزود.

کتابخانه دارالفنون تا زمان وزارت میرزا محمودخان علاءالملک دایر و مورد استفاده شاگردان و معلمان مدرسه بود. او این کتابخانه را به کتابخانه ملی منضم ساخت و از این رو است که نسخه‌های خطی و چاپی تألیفات معلمان اروپائی دارالفنون و ترجمه بعض آنها در این کتابخانه جا دارد.

تا سال ۱۲۸۶ قمری علاوه بر روزهای عید ملی یا مذهبی و ایام سوگواری و جمعه‌ها و ماه رمضان، دوشنبه‌ها نیز مدرسه دارالفنون تعطیل بود، اما روزهای دیگر تمام فصلهای سال شاگردان با فعالیت قابل تحسین تحصیل می کردند. در این سال به تابستان، گرمی هوا چنان شدت یافت که تعلیم و تعلم را بر شاگردان و استادان دشوار کرد. ناچار و قرارداد شد که شاگردان مدرسه مبارکه دارالفنون و اطباء نظام و غیر نظام چهل روز از ایام تابستان را بجای دوشنبه‌های سایر اوقات سال تعطیل نمایند و مرخص شده به بیلاقیات رفته و معلم و متعلم بنا بر قرارداد کلیه اهل علم چند روزی را از بابت شدت گرمی و حرارت هوا آسودگی اختیار کنند و از این تعطیل نظر به دایر کردن تحصیل ایام دوشنبه ضرری در تحصیل سالیانه پیدا نشود. لهذا مدت چهل روز را معلم و متعلم تمامی مرخص شده هر یک با کسان خود به بیلاقی رفتند. این نخستین تعطیل تابستانی دارالفنون بود و در هیچیک از دوره‌های تحصیلی، شاگردان از چنین تعطیل طولانی استفاده نکرده بودند. جمفرقلی خان رئیس دانا و پرکار مدرسه می دانست که پس از پایان یافتن تعطیلات شاگردان آسان به میل خود در یک روز به مدرسه باز نمی گردند، چاره‌گری را از سه چهار روز پیش از خاتمه تعطیلات، فراشان مدرسه را به خانه آنان راهی می کرد و پیغام می فرستاد که همه بی عذر و بهانه روز معین برای ادامه تحصیل به مدرسه روی آورند.

→ خان نایب اول وزارت علوم و شاهمراد میرزا رئیس دارالطباء دولتی با کمال سفارش و تأکیدات محول و واگذار نموده و هر یک در نهایت مراقبت و مواظبت به امورات متعلقه به خود رسیدگی دارند. شماره ۶۴۸ روزنامه دولت علیه ایران مورخ پنجشنبه ۲۷ شوال ۱۲۸۷.

«...اعتضاد السلطنه وزیر علوم که حسب الامر اعلی مأمور و احضار به ملازم بودند روز دوشنبه ۱۸ رمضان المبارک (۱۲۸۷) راهسپار طریق اطاعت گردیده روانه شدند. امورات متعلقه به وزارت مزبور و دارالفنون را به مباشرین سپرده تأکیدات اکیده در مراقبت و مواظبت خدمات دیوان اعلی نمودند و بجمداله تعالی کمال انتظام در تمام امورات مزبوره حاصل است...» از همین روزنامه.

تا زمانی که مردم تهران به خواندن روزنامه عادت نکرده بودند ، رئیس دارالفنون ناچار بود که در پایان تعطیل تابستان شاگردان را به وسیلهٔ مستخدمان مدرسه از باز شدن کلاسها و آغاز کار آگاه کند اما پس از اینکه روزنامه بیشتر و مطالعهٔ روزنامه نسبتاً رایج شد خبر افتتاح مدرسه پس از پایان تعطیلات تابستانی ، در روزنامه هادرج می گردید و شاگردان جدید برای نام نویسی در کلاس اول ، و شاگردان قدیم برای ادامهٔ تحصیل در کلاس بالاتر دعوت می شدند .^۱

لازم به یادآوری است که تا چند سال بعد تعطیل ماه رمضان همچنان معمول بود و در این ماه شاگردان بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه و عبادت می کردند .

معلمان ایرانی به طیب خاطر جهد بسیار می کردند اما دوسه تن از معلمان اروپائی با حقیقهٔ در رشتهٔ خود معلومات کافی نداشتند یا مایل به پیشرفت شاگردان نبودند و بدین جهت بهرهٔ علمی شاگردان اندک بود .

اعتضاد السلطنه چون آنان را به کار آماده و مصمم نیافت بعلاوه بعضی از معلمان خود را برای ترك خدمت و عزیمت از ایران حاضر کرده بودند در صد چهار جوی برآمد . مقارن این احوال فرخ خان امین الدوله که مردی دانشمند و دانش پرور و روشن بین و خردمند بود با عنوان سفیر مخصوص برای انجام دادن کارهای مهم سیاسی در اروپا برمی برد . شاهزاده وزیر علوم حضور چنان شخص دانا و هشیار و صاحب نظر را در اروپا مقتم شمرد و اعتماد الدوله صدر اعظم را وادار کرد که فرخ خان را به انتخاب و اعزام چند تن معلم ورزیده و فعال مأمور نماید .

میرزا آقاخان نوری اعتماد الدوله با اجازت ناصرالدین شاه روز هفتم رمضان سال ۱۲۷۳ به فرخ خان امین الدوله نوشت که پنج تن معلم برای تعلیم فن پیاده نظام که درجه یکی از آنها سرتیپ یا سرهنگ باشد و چهار نفر دیگر که درجهٔ یاور یا سلطانی داشته باشند ، یک معلم فیزیك ، يك معلم معدن شناسی و دو نفر معلم هندسه ، سه معلم توپخانه که درجه یکی از آنها سرهنگ باشد و دو نفر دیگر درجه سلطانی داشته باشند ، يك نفر معلم علم قورخانه ، يك معلم شکر سازی انتخاب کند و اعزام دارد .

صدراعظم به فرخ خان توصیه کرد:

« این معلم ها را از دولت بهیمة فرانسه بخواهند که مردمان نجیب دستکار منتخب نمایند و از جانب دولت به آنها سپرده شود که منظورشان واقعاً تربیت قشون و صاحب

۱- « چون مدرسهٔ دارالفنون روز شنبه اول برج سنبله مطابق ۲۶ ذی قعدة افتتاح خواهد شد ، اختطاری شود که از روز سه شنبه بیستم برج اسد مطابق ۱۵ ذی قعدة تا يك هفته بعد ، دفتر ثبت اسامی قبیل از ظهرها در مدرسه باز خواهد بود و داوطلبان ورود به کلاسهای مدرسهٔ دارالفنون می توانند در اوقات مزبوره معینه حاضر شده اسامی خود را ثبت نمایند و نیز خاطر داوطلبان را مستحضر می دارد که برای کلاس اول پنجاه نفر شاگرد بیشتر لازم نیست که قبول آنها هم از روی نمره ترتیبی امتحان شش ساله است . ادارهٔ دفتر مدرسه دارالفنون ، شمارهٔ ۱۶۳ سال سوم روزنامهٔ ایران مورخ پنجشنبه ۱۷ ذی القعدة ۱۳۳۷ قمری برابر ۱۲۶۸ شمسی .

منصبان ایرانی باشد نه اینکه يكسال دوسال در ایران بیایند ، راه بروند ، مواجبی بگیرند و برگردند.

مثلا معدنچی مثل آن معدنچی نساوی نباشد که جمیع کوههای ایران را به خرج و پول ماگردید و معادن زیاد هم پیدا کرد و هیچ به کسان ما نشان نداد و فایده از برای ما حاصل نشد تا مرد و پی کار خود رفت .. «فکتنی هم همین حالت را دارد البته در نظر دارید که کیفیت شمع ساختن و جوهر گوگرد گرفتن را به اجدی یاد نداد و شاگردهای او هنوز هم چیزی نفهمیده اند. با دولت بهیه فرانسه مذاکره کرده معلمین مزبور را خواسته قرار مواجب آنها را داده نامه بنویسد و آنها را زود روانه دارید. اما مردمان خوب باشند؛ که مرارت از برای ما پیدا نشود. باید شرط شود که در اطاعت و حکم من باشند هر روز به زحمت نیفتیم و کاریاد بدهند، نه مواجب بگیرند و یاد ندهند. و همچنین معلم علم فیزیک هم با سر رشته بوده آگاهی کامل داشته باشد و یاد بدهد. بخیل نباشد. خواهید گفت که فوکتی برای این کار خوبست از قراری که معلوم می شود او یا چیزی نمی داند و یا اینکه می داند، بخیل است به کسی یاد نمی دهد. در این صورت او چه مصرف دارد؟ معلم دیگر که به این اوصاف نباشد و آگاهی کامل داشته باشد باید از دولت بخواهید؛ و اگر از فوکتی صاحب مطمئن باشید که آگاهی کامل و علم تمام دارد و بخیل و حسد نمی کند و یاد می دهد بسیار خوب، و الا کس دیگر را اجیر نمایید. خلاصه در باب این معلمین خوب دقت خواهید کرد که آدمهای با علم و مهارت و سر رشته دار باشند. از دولت فرانسه بخواهید و اجیر نمایید که پادار باشند و مواجب آنها را موافق قاعده مشخص نمایید یا خودتان می آورید یا می فرستید که لازم هستند. انجام این امر منوط به حسن مراقبت آن برادر است.»

۱ - صفحه های ۳۳۴ و ۳۳۵ کتاب مجموعه اسناد و مدارک مآهوریت فرخ خان امین الدوله نشریه شماره ۱۱۵۵ دانشگاه تهران که به اهتمام کریم اصفا نیا و قدرت الله روشنی زعفرانلو انتشار یافته است .
در این نامه نیز که صدر اعظم راجع به قرارداد خرید چند کارخانه به فرخ خان امین الدوله نوشته به کمی اطلاع فکتنی اشارت کرده است .

برادر مهربان من تفصیلی را که در خصوص کارخانجات ابریشم کشی و شکر سازی نوشته بودید حالی شدم . به جهت احتیاط اختیار نامه هم از برای شما نفاذ شد. اگر کارخانجات دیگر هم قرار می دادید که تجار کمپانی فرانسه از پول خودشان مثل آن دو کارخانه در ایران بایک قرارداد معینی راه بیندازند غریب خدمتی بود که از شما به ظهور می رسید. وقتی که در ایران بودید میل شما را بخصوصه در چند کارخانه زیاد دیدم : یکی بلور سازی، ثانی ظرف سازی ثالث شمع سازی. قیمت اسباب و ملزومات این سه کارخانه را در دو نیم ورقی به مبلغ سه هزار و پانصد و پنجاه تومان بر آورد کرده بودید . من هم زیاد مایل و خوشنودم که این سه کارخانه در

فرخ خان امین الدوله باحسن نیت و اعتقاد صافی که داشت این کار بزرگ را به انجام رساند و معلمانی به استخدام دولت ایران درآورد .

ایران راه بیفتد . تنخواه هم حسب الامر به جهت شما انفاذ گردید سابقاً به شما نوشتم حالاً هم می نویسم این فکتی صاحب شما مرد با سررشته خوبی نیست . میرزا رضای شاهم در دست اعتقادات او اسیر است . طوری نشود که تنخواهی بدهید اسبابی بگیریید به ایران بیاورید باطله شود و از فکتی هم کاری ساخته نشود و متصل از او غمزات تحویل گرفت . اگر لازم دانید استاد هم با کارخانه بیاورید . در هر احوال امین الملک کاغذ شمارا گفتم نگاه دارند . اگر فکتی و میرزا رضا نتوانند از عهده شمع سازی برآیند خودت را فوطه به کمر می بندم و در میدان و امیدارم شمع بسازی . تا خاطرت از طرف فکتی جمع نشود مطمئن مباش .

حاشیه : برادر البته در نظر داری که چقدر پول سرکار همایون ارواحنا فداه را از برای فکتی خرج کردی و شمع شمع نشد . اقلکاری بکنید که از خجالت سابقه بیرون بیائید زیاده نمی نویسم ۲۴ ذی حجه ۱۲۷۳ .

نقل از صفحه ۱۷۹ قسمت دوم مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله به کوشش کریم اصفهانیان - نشریه ۱۱۵۵ دانشگاه تهران .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
غزل

کمال اجتماعی جندقی

چون گرفتار شدم ، اینهمه آزارم کرد
رنگها ریخت که اینگونه گرفتارم کرد
آن گل تازه که آواره گلزارم کرد
دیده ام کور که محروم ز دیدارم کرد
انتظار ، از تو و دیدار تو بیزارم کرد
مرغ شب ، لال شوی ، بانگ تو بیدارم کرد

آن سیه چشم به صد حیلہ گرفتارم کرد
زلف افشانند به رخ ، صبح بنا گوش نمود
جلوای کرد ، ولی مهلت دیدار نداد
بسکه شد دیده من خیره بر او ، رخ پوشاند
او نیامد ، تو هم ای ماه فلک سیر میا
وصل او ، خواب خوشی بود که می دیدم دوش

در صفحات بعد مثلثات شیخ سعدی است از استاد واجد